■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۶۰۵ ■ شنبه ■ ۲۸ فروردین ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۴ | اذان مغرب ۱۹/۵۸ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۹ | اذان صبح فردا ۴/۵۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۸

سخن روز

امام رضا(ع):
دوست هر کس عقل او و دشمنش جهل اوست.
تحف‌العقول، صفحه ۴۶۷

برای تئاتر عروسکی خودمان را به آب و آتش می‌زنیم

محمد لقمانیان: هر دو سال یکبار جشنواره تئاتر عروسکی برگزار می کنیم و بعد دوباره فراموش می کنیم. چند نفر از استادان ما هستند که خودشان را به آب و آتش می زنند تا این دنیای عروسک ها زنده بماند منتهی اصلاً کسی به این موضوع توجه نمی کند، آن هم به این دلیل است که ما اصلاً در مدرسه هایمان تئاتر عروسکی نداریم، موسیقی نداریم. تئاتر گرایش‌های متفاوتی دارد و معلم‌ها و دانش آموزها در همه سنین می توانند برای یادگیری از این هنر استفاده کنند. در خیلی از مدارس خصوصی هم این اتفاق در حال رخ دادن است و متأسفانه این موضوع فرهنگسازی نشده که عروسک، استعاره از انسان امروزی است که می تواند نماد یک کودک شیطان باشد و یا نماد آدم بزرگ با خلق و خوهای کاریکاتوری که ما را یاد خودمان بیندازد. متأسفانه امروز حتی سینما را به تئاتر ترجیح می دهند و این مسأله نه تنها برای تئاتر عروسکی، بلکه برای تئاتر یک معضل است.

بخشی از صحبت‌های این هنرمند حوزه تئاتر عروسکی با خبرآنلاین

دعای روز چهارم
ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ قَوِّنِی فِیهِ عَلَی إِقَامَةِ أَمْرِکَ وَأَذِقْنِی فِیهِ حَلَاوَةَ ذِکْرِکَ وَأَوْزِعْنِی فِیهِ لِأَدَاءِ شُکْرِکَ بِکَرَمِکَ وَاحْفَظْنِی فِیهِ بِحِفْظِکَ وَسِتْرِکَ یا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ

خدایا در این ماه برای برپاداشتن امرت نیرومند ساز مرا، و شیرینی ذکرت را به من بچشان، و ادای شکرت را به من الهام فرما، و به نگهداری و پوششت نگاهم بدار، ای بیناترین بینندگان.

نگاره
پریسا نوراللهی

استفاده بیش از حد از لوازم آرایشی

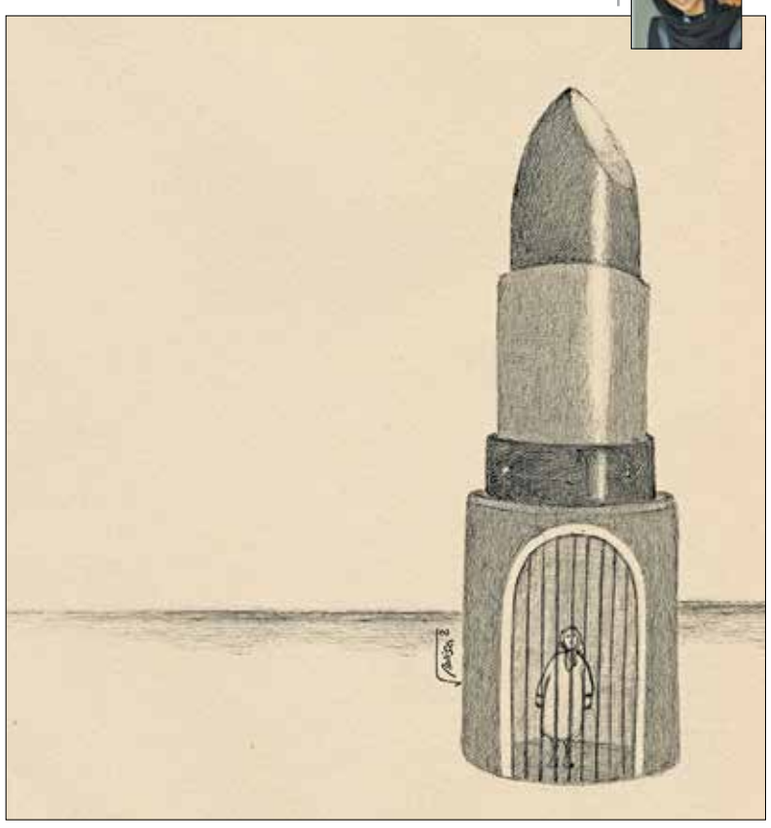

تئاتر، هنر فرهنگساز

پنجره‌ای رو به دیوار

رضا آشفته
منتقد

چرا تئاتر می‌بینیم؟ تئاتر یک هنر است و ابزاری برای انتقال فرهنگ است، بنابراین یک نشانه فرهنگی است و در کنار مدرسه (دانشگاه) و روزنامه (رسانه) یکی از ارکان دموکراسی است و به تعبیری هنگام ورود به هر شهر در ابتدا باید تعداد تالارهای نمایش‌اش را شمرد که این خود بیانگر میزان رشد فرهنگی و درواقع بیانگر تمدن قابل اعتناست. بنابراین اگر تالارهای بیشتری حضور داشته باشند و مردم نیز راغب به دیدن تئاتر باشند، با یک حساب سرانگشتی می‌توان فهمید که مردم یک شهر چقدر اهل فرهنگ و هنر هستند و این خود زمینه‌ساز تمدن خواهد بود. به همین تعبیر و تفسیر باید تئاتر دید و تئاتر دیدن چون آیینی برای خود مراتب و شرایطی دارد که یکی از آنها ساخت مکانی به نام تئاتر است. حالا هر چه بر تعداد تالارهای نمایشی افزوده شود، به همان میزان بر فرهنگ افزوده خواهد شد؛ در این هنر بنیان هستی و زندگی از ابعاد مختلف زیر سؤال می‌رود و فهم این پرسش‌ها به درک آنها کمک می‌کند و زمینه‌ساز رشد عقلی و ذهنی مخاطبانش خواهد بود که کارکردی معادل با دانشگاه و رسانه است و می‌تواند در تعامل همگانی جامعه را تحت تأثیر تفکرات کارآمدی قرار دهد که از نظرگاه‌های درست وارد دنیای متن و اجرا شده است و این‌گونه می‌توان به آینده یک جامعه امیدوار و دلبستگی پیدا کرد و در نبود و کمبود آن باید به دنبال عوارض بی‌شماری بود که دلالت بر فقر فرهنگی خواهد کرد. فرهنگ انسان‌ساز است و برای توسعه و استقرارش نیازمند ابزارهایی است که پیوسته بشود دلالت‌های فرهنگی را در وضعیت هوشیارانه‌ای قرار داد. فرهنگ نمودار روح و روان آموخته و آزموده به نکات متمدنانه است که در دایره امکان بشود و بتوان آدم‌ها را در یک وضعیت مشترک به تبادل واداشت. تبادل امری پایدار است که آدم‌ها را متوجه نقاط ضعف و خطاهایی خواهد کرد که همواره به زیان روابط انسانی خواهد بود، چون که انسان به دور از خطاها و زشتی‌ها نیست و مدام که برای تمیزی بدنش باید خود را بشوید، به لحاظ ذهنی و باطنی نیز نیازمند خوراکی است که اگر تأمین نشود دچار کمبود و عارضه روانی خواهد شد و این خود دلیلی موجه برای استقرار تئاتر به عنوان یک ضرورت انسانی در کل جوامع بشری است.

در معادلات فرهنگی، هنر تئاتر بیش از دانشگاه و رسانه می‌تواند تأثیر مطلوب بگذارد و این در میزان کیفیت فرهنگسازی است، چون تئاتر زنده است و همین عاملی شناساست برای یک مواجهه زنده، چشم در چشم است که روح و ذهن را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و هر تماشاگر به لطف دیدن هر نمایش متوجه بخشی از ایرادهای وارد بر وجود خود خواهد شد و خواهد توانست نگاه هستی‌شناسانه ما را دگرگون گرداند که در شرایطی بهتر برای درک و فهم همه‌چیز کوشا باشیم و یک عامل شعورمند است برای داد و دهش‌های پیوسته‌ای که برای گسترش هر ذهن به آن نیازمند هستیم و در کل پیوستگی این داده‌ها دلیلی برای بروز خرد جمعی در بالاترین سطح خود خواهد شد و گسترش فرهنگی نشانه تمدنی قابل درک و رؤیت است که بخشی از آن به واسطه بروز تئاترها در شهر و جامعه‌ای اتفاق می‌افتد. حالا اگر از میزان تئاترها به هر دلیل کاسته شود پیکره جامعه نیز دچار کمبود، نقصان و عارضه مشخصی خواهد شد. بنابراین ما باید همواره به دنبال ماهیت انسانی تئاتر به عنوان هنر فرهنگساز برآییم و افزون بر تهران باید در شهرهای کوچک و بزرگ به دنبال ایجاد تئاترهایی باشیم که بتوان مسائل عمده اجتماعی و انسانی را از مناظر مختلف به چالش کشید و این هدف بزرگی است که باید در تئاتر از آن غافل نشویم و در یک ارزیابی دقیق و پژوهشی انسانی و علمی می‌توان پیامد تئاتر را در هر شهر و روستایی مطالعه کرد که بر ما معلوم شود چقدر تئاتر می‌تواند فرهنگساز باشد و رشد فرهنگی در دامنه رشد تولیدات و عرضه محصولات نمایشی تا چه میزان و چگونه خواهد بود؟!

برنامه‌های رادیویی همچنان پابرجا است

یادداشت

بیوک میرزایی
گوینده رادیو و بازیگر سینما

فعالیت در رادیو نسبت به دوران قبل از کرونا بسیار محدودتر شده است. کار در رادیو کمابیش انجام می‌شود. اما به خاطر اینکه میدان ارگ یکی از شلوغ‌ترین خیابان‌های تهران است، واقعاً تردد به این مکان در این شرایط وخیم کرونا که وضعیت قرمز هم هست، کار بسیار سختی است و آمدن در چنین شرایطی بسیار خطرناک است. بخشی از همکاران رادیو به خاطر این شرایط دیگر نمی‌آیند و بخش دیگر از همکاران که حاضر هستند به رادیو بیایند، بسیار محدود هستند. اگر همکاران من عاشق کارشان نبودند، حاضر نبودند که در این فضا رفت و آمد کنند و به رادیو بیایند علاوه بر عشق به کار، عشق به مخاطبان و تأمین خوراک برای آنها هم ما را به این امر تشویق می‌کند. رادیو رسانه‌ای است که باید صدایش دربیاید به عبارت دیگر نیاز به خوراک و محتوا دارد. کار در فضای رادیو با کار در فضای دوبله بسیار متفاوت است. داستان شب را نمی‌توان در یک اتاق یک نفره گفت. به ناچار با تعداد محدودی از همکاران‌مان با فاصله یک متری از هم و رعایت پروتکل‌های بهداشتی کنار هم قرار می‌گیریم و کار را انجام می‌دهیم.

اگر قبلاً ۲۰ نفر در یک اتاق می‌نشستیم و دیالوگ‌ها را بده بستان می‌کردیم و کار خوبی هم در نهایت حاصل می‌شد، اما اکنون این ۲۰ نفر به دلیل شرایط کرونا به چند نفر تقلیل یافته و سعی می‌شود که با بچه‌های کمتری کار انجام شود و شاید در این شرایط کار کردن کیفیت کار افت کرده باشد. اما با این حال تلاش می‌شود که برنامه‌های رادیویی همچنان پابرجا بماند.

حقایقی درباره امریکا

پیشنهاد

علی‌اکبر عبدالرشیدی
نویسنده و مترجم

«حقایقی که باید گفت» نوشته «کامالا هریس» یکی از تازه‌ترین ترجمه‌هایی است که با همراهی «نشر نون» از من در اختیار علاقه‌مندان به مسائل سیاسی و از سویی درباره چهره‌های مطرح جهان قرارگرفته است. وقتی «جو بایدن» به‌عنوان رئیس‌جمهوری امریکا انتخاب شد برای من هم نظیر دیگر مردم آشنایی بیشتر با معاون اول او، «کامالا هریس» جالب بود. قدری جست‌وجو کردم و متوجه این کتاب شدم که به گمانم دربردارنده اطلاعات جالبی درباره تفکرات و نگاه معاون اول رئیس‌جمهوری امریکاست. کتاب به جهات مختلفی من را شگفت‌زده کرد، نخست این‌که درباره زنی قدرتمند و اثرگذار در سطح جهانی است، زنی که توانسته به چنین جایگاه مهمی دست پیدا کند. کتاب را که بخوانید با نقش بسیار پررنگ مادر هریس در زندگی‌اش روبه‌رو می‌شوید که حتی اثرگذارتر از تأثیر پدر او به شمار می‌آید. پدر و مادر هریس، در سال‌های جوانی دانشجویانی نخبه از دو دانشگاه مختلف امریکا بوده‌اند. هر دو موفق به پذیرش از دانشگاه‌های مهمی از این کشور می‌شوند، تا درجه دکتری پیش می‌روند و در جریان فعالیت‌های سیاسی دهه شصت میلادی و در حمایت از «مارتین لوتر کینگ» با یکدیگر آشنا شده و ازدواج می‌کنند، بنابراین پناهنده و... نبودند. پدر هریس بعدها به‌عنوان استاد مادام‌العمر رشته اقتصاد دانشگاه استنفورد پذیرفته می‌شود، مادرش نیز تا آخر عمر درباره سرطان سینه پژوهش جدی می‌کند. بنابراین می‌بینیم که کاملا هریس در خانواده‌ای برجسته ازنظر علمی تربیت شده، او این کتاب را در اوج بحران دولت ترامپ نوشته است. درواقع کتاب را در پاسخ به اعتقاد ترامپ مبنی بر اخلالگر بودن مهاجران و آسیایی‌ها نوشته و کاملا برعکس تأکید دارد که اینها هستند که امریکا را ساخته‌اند. او حتی شرحی درباره خدمات این دو طیف برای شکوفایی امریکا با ارائه مصداق‌های مختلف نوشته است. او به چند حوزه در امریکا در این نوشته‌اش توجه ویژه‌ای نشان داده و نقد کرده است؛ حوزه‌های قضایی، فرهنگی، اجتماعی در مباحث مهاجرت، زنان و کودکان، همچنین حوزه اقتصادی در بخش عملکرد بانک‌های امریکایی در ارتباط با تأمین نیازهای مردم. حتی به بخش پزشکی و دارو هم نگاهی انتقادآمیز داشته است. البته این نقدها متعلق به شرایط سال ۲۰۱۹ هستند که مخاطب را در برابر امریکای واقعی قرار می‌دهد و دلایل مختلفی در راستای ضرورت انجام اصلاحات می‌آورد.

روز چهارم ماه رمضان

ای خدای حکیم و مهربان!

یک دقیقه با خدا

عبدالرحیم سعیدی راد
شاعر و پژوهشگر

ما آدم های عجول و ضعیف، به این دلیل که از حکمت تو سر در نمی آوریم، به هزار و یک بیراهه می رویم. مخصوصاً گاهی که انسان های ناامیدِ از رحمت و کرامت تو، سد راه می شوند و با عینک بدبینی همه چیز را برایمان سیاه نشان می دهند.

در این ایستگاه چهارم ماه رمضان، از تو می خواهم تا حکمت درهایی را که به رویم می بندی نشانم بدهی، تا نادانسته و با اصرار، آنها را باز نکنم.

می دانم بنده خوبی برایت نبوده ام ،اما این را هم می دانم که تو بخشنده ای و خطاپوش. همین

مفهوم تقوا در قرآن

یادداشت

شهید آیت‌الله محمدبهشتی

همچنان که آیین مسیحیت برای نشان دادن مهر خداوند، کلمه پدر را برای پروردگار به کار می‌برد و با این لفظ می‌خواهد مهر و رحمت الهی را مجسم کند. قرآن هم خداوند را از نظر رحمت و محبت و منعم بودن، به‌صورت یک پدر نشان می‌دهد. منتها پدری که بچه‌هایش را لوس نمی‌کند، بلکه پدری است که بچه‌هایش را ادب می‌کند. پدری که در برابر بچه‌هایش بی‌ارج باشد و بچه‌ها از او حساب نبرند نیست، بلکه پدری است که بچه‌ها از او حساب می‌برند. تقوا هم همین است. تقوا یک معنی متعارف دارد که در زبان‌های دیگر هم هست و به نظر من همان معنی، معنی مورد نظر قرآن است و آن «خداترسی» است.

برخی از دوستان فاضل معاصر در بحث‌های خود می‌کوشند تا کلمه ترس را از تقوی بیرون ببرند. می‌گویند: کجای تقوی معنای ترس دارد! مگر خدا لولو است که انسان از او بترسد! و حال آنکه خداترسی، معنی عالی‌تری دارد. معنی خداترسی این است که اگر تو خطایی کردی و انحرافی داشتی، نگران کیفر آن باشی، وگرنه خود خدا، دوست‌داشتنی است. خدا موجودی است که باید به او عشق ورزید، او شأن عشق ورزیدن دارد. اما خداترسی هم سر جای خودش است.

به‌عنوان مثال اگر پدری بسیار با کمال، با فضیلت، با ارزش، با محبت؛ اما با ابهت باشد، اعضای خانواده در برابر یک چنین پدری چه واکنش روانی و چه نوع عواطفی دارند؟ با تمام قلب او را دوست دارند، در عین حال از او می‌ترسند. این، ترس خاصی است. حریم قائل هستند، احترام، ترسی همراه با محبت است. قبول دارم برای اینکه موضعگیری انسان را در برابر خدا و رابطه انسان با خدا را کاملاً روشن کنند، این کلمات کافی نیستند؛ اما کلمه تقوا را هم نباید ماستمالی کرد؛ «إِنَّمَا یَخْشَی اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.» خشیت و خداترسی، در قرآن هم مطرح است. «مَنْ خَشِیَ الرَّحْمَنَ بالغیب»، با آنکه خدا برای او غیب است، اما در عین حال آنقدر آشکار است که از او می‌ترسد، یا به اعتبار قیامت می‌ترسد. به هر حال، خداترسی یعنی در صورت تخلف از راه او، ترسیدن، از فرجام بد انحراف از راه او، ترس داشتن؛ «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُواْ بِآیَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ وَاللَّهُ عَزِیزٌ ذُوانتِقَام». وقتی خدا چنین خدایی است که اگر انسان به آیاتش کفر ورزید، باید در انتظار عذاب دردناکِ او باشد، دیگر خودبه‌خود نسبت به چنین خدایی تقوا و پروا دارد. برای ما «پروا»، کلمهٔ بسیار خوبی است.

■ سرنخ کارها به‌دست اوست

نکته جالب، صفاتی است که قرآن برای خداوند برمی‌شمرد. یک جا «لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ» است، بعد می‌فرماید «وَاللَّهُ عَزِیزٌ ذُو انتِقَام»، یعنی خدا بلندمرتبه است، اسباب دست کسی نیست و صاحب عذاب طبیعی است و در جایی دیگر می‌فرماید: خدا است که به انسان‌ها هر نوع چهره و اندام و هر شکلی بخواهد در رحم‌ها می‌دهد، و همان جا می‌فرماید: «لاَ إِلَـهَ إِلاَّ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»؛ «جز او که بلندمرتبه و کاردان است، خدایی نیست.»

در اینجا هم مطلب به دو صفت خداوند مربوط می‌شود. یکی عزیز بودن و اینکه سر نخ کارها به‌دست او است، چون می‌گوید: «هُوَ الَّذِی یُصَوِّرُکُمْ فِی الْأَرْحَامِ کَیْفَ یَشَآءُ»، «هرطور بخواهد شکل و چهره شما را می‌نگارد و به شما شکل و اندام می‌دهد.» عزیز است و سرنخ‌ها همه دست اوست. بعد می‌گوید خیال نکنی از آن دیکتاتورهای خودکامه‌ای است که همین‌طور گزاف، هرطور دلش می‌خواهد، کار می‌کند.

این «کَیْفَ یَشَآءُ» یعنی هرطور دلش بخواهد، اما همین را به حساب قلدرهای جامعه خودت واریز نکن، او حکیم و کاردان است. او کارهایش روی حساب و میزان است. این صفات، درست در آیات قرآن سر جای خود می‌آید تا هر کدام جهتی را که در یک یک جمله‌های قرآن است، مشخص کند. او هر طور دلش بخواهد شکل و اندام می‌دهد و «هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ.»

*** برگرفته از درسگفتارهای منتشرنشده شهید بهشتی**

عکس نوشت

هفدهمین نمایشگاه سالانه حروف‌نگاری پوستر اسماءالحسنی هم تحت تأثیر موج چهارم بیماری کرونا قرار گرفته است. این نمایشگاه بدون افتتاحیه و مراسم همیشگی از روز چهارشنبه در خانه هنرمندان ایران کارش را آغاز کرده است. اگر دوست دارید با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به‌صورت حضوری از آثار این نمایشگاه دیدن کنید می‌توانید هر روز از ساعت ۱۳ تا ۲۰ به گالری‌های ممیز و زمستان خانه هنرمندان ایران مراجعه کنید. امکان بازدید مجازی هم در این هفته و در سایت خانه هنرمندان ایران به نشانی http://iranartists.org **فراهم می‌شود.**

#کرونا

هشتگ

شرایط کشور از نظر شیوع بیماری کرونا اصلاً خوب نیست و این مسأله باعث شده همچنان کرونا مهم‌ترین بحث شبکه‌های اجتماعی باشد. کسانی که گذرشان به بیمارستان‌ها می‌افتد از شرایط آن می‌نویسند و پرستاران و پزشکان از مردم خواهش می‌کنند پروتکل‌ها را رعایت کنند: «بیمارستان و فاجعه انسانی. من اگر جزئی از مردم و کادر غیردرمان بودم، برای حفظ جان خودم و خانواده‌ام، دو هفته از منزل خارج نمی‌شدم! کاری هم به دیگران نداشتم.»، «دیشب دکتر کرمانپور رئیس اورژانس بیمارستان سینا توی کلاب هاوس می‌گفت سردخانه یکی از بیمارستان‌های تهران جا برای فوت شده‌های کرونا نداشت چند تایی را بیرون سردخانه گذاشته بودند و تا کنون چنین وضعیتی را هیچ‌وقت ندیده بودم، تازه اینها مربوط به خریدهای شب عید است»، «مجبورم دوباره بگم روزهای مرگبار و سیاه در تهران شروع شد. به‌هیچ عنوان از منازل خودتان خارج نشوید. باید تهران تعطیل شود. با این اوضاعی که من می‌بینم کرونا بر تهران چیره شده. اگر یک عضو خانواده بیرون می‌رود در خانه دومتر فاصله و ماسک فراموش نشود.»، «آقا .... خانم از خونه خارج نشوید. مجبورید کار کنید؟ دوتا ماسک بزنید با فاصله دو متری. جلوی چشم ما جوون‌ها با درگیری ریه شدید مراجعه میکنن و با کمترین علامت. اصلاً سالم و ناقل و بیمار نداریم. همه را ناقل حساب کنید. قضیه مرگ و زندگیست»، «علوم پزشکی شهید بهشتی اعلام کرده تعداد افرادی با علائم کرونا که تست PCR آنها منفی است از تعداد افراد با PCR مثبت بیشتر است. ایران روزانه نزدیک ۱۰۰ هزار تست انجام میده که ۲۵ درصد آن مثبت است. در ایران به ازای هر نفر که مثبت شده حدود ۶ تست انجام دادند. نیوزیلند به ازای هر نفر مثبت ۱۰۰۰ تست انجام داده است. این آمار به ما میگه ما در بیماری‌یابی ضعیف عمل می‌کنیم منفی کاذب بسیار بالایی داریم. وقتی نصف افراد با علائم کرونا تست PCR منفی هستند نصف مرگ و میر هم تستشون منفی است و بنابراین در آمار ثبت نمی‌شوند.»، «بیمارستان بروجن فراخوان داده که امکانات نداریم و ظرفیت نگهداری از بیماران تکمیله، از مردم خواهش کرده که تخت، کپسول اکسیژن، دستگاه فشار خون و.... اگه دارن بیان اهدا کنن که اینا درمانگاه را تبدیل کنن به مرکز کرونا. وضعیت خیلی افتضاحه.»، «خب به سلامتی مشکل وضعیت سیاه کرونا هم حل شد و سخنگوی ستادملی مقابله با کرونا اعلام کرد که گرچه «از نظر تغییر آماری ۶۳ شهر در وضعیتی هستند که از شاخصی که برای رنگ قرمز در نظر گرفتیم فراتر رفته اما رنگ سیاه به هیچ وجه درست نیست.» تا حل مشکل بعدی از سوی ستاد کرونا خدانگهدار.»، «تعداد مبتلایان کرونا در تهران به شکل تصاعدی در حال افزایشه و اگر فکری نشه فاجعه در راهه.»، «یکی از همکارا ۳ روزه تست کروناش مثبت بوده بدون ماسک تو محل کار بوده تا امروز به یکی گفت اونم ترسیده بوده و هر جوری بود فرستادنش رفت. خب وجدان کجاست؟ اگر حتی یک نفر کرونا بگیره و اتفاقی براش بیفته چجوری میتونی با وجدانت کنار بیای؟»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

یک برد شیرین

ماجرا

برد پر گل استقلال مقابل تیم الاهلی عربستان فوتبالی‌ها و بخصوص طرفداران استقلال را سر ذوق آورد. از زمان پخش بازی تا دیروز بحث بر سر این بازی و گل‌های استقلال داغ بود و حتی پرسپولیسی‌ها هم از این برد خوشحال بودند: «شب‌مان را ساختی استقلال با ۵ گل به الاهلی عربستان در زمین خودشان.»، «ایران غنی‌سازی ۹۰درصد رو از خاک عربستان شروع کرد»، «اگه پرسپولیسی هم باشی از برد استقلال جلوی سعودی‌ها خوشحال میشی. دمتون گرم پرچمتون

بالاست»، «پول زیاد نشانه برتری قطعی و حتمی نیست رفقا»، «گل ها و پیروزی استقلال جای خود، خوشحالی قائدی دلم را برد، کاش ما مردم عادی هم یه عالمه ازین شادی‌ها داشته باشیم. ساده و دم دست و از ته دل، یادم رفته بود کم‌کم، دمت گرم فوتبال که همه نداشته هامون را از یادمون میبری.»، «با اینکه پرسپولیسی ام ولی دم استقلال گرم که این سعودی‌های رو آسفالت کرد.»، «ولی تو خاک عربستان ۵ تا زدن به عربستان واقعاً دمت گرم داره! دمشون گرم»، «نه اینکه اشتباه نداشتیم، نه! نه اینکه شانس یارمان نبود، نه! اما ما مزد فوتبالی را گرفتیم که فراتر از حد آسیا بود. حالا بنشینید و برنامه بچینید که بازهم آخر فصل، این تیم را چطور نابود کنید.»، «با این بازی، حلاوت سحر رمضان برای من بیشتر شد.»، «مهدی قائدی نی می‌زد، ارسلان گیتار، ارگ هم بود... امشب یک ارکستر حسابی سازش کوک بود»، «پنجججج-دووووووو. عمراً همچین چیزیو پیش‌بینی نمی‌کردم دیگه!»، «این پسری که تا الان چندان دوستش نداشتیم، ما را یاد گلزن دیگری می‌اندازد که چندان محبوب نبود. آیا قائدی، طارمی بعدی فوتبال ایران است؟ رؤیای ترانسفر به اروپا و گلزنی در چمپیونزلیگ، انگار تنها با ستاره‌های متواضع بوشهری تعبیر می‌شود.»، «بازم هنوز اعتقاد دارین که فرهاد مجیدی باید از لیگ دسته دو شروع کنه و استقلال واسش زوده؟»، «دوس دارم تعصب رو بزارم کنار و به‌عنوان یک پرسپولیسی بگم: چقدر خوبه مهدی قائدی»، «مهدی قائدی با ۲۲ سال و چهار ماه سن، چهارمین بازیکن جوان تیم‌های ایرانی شد که در یک بازی لیگ قهرمانان بیش از یک گل به‌ثمر رسانده است»، «ولی گل‌های مهدی قائدی چقد عجیب غریب بود»، «بارها و بارها گل مهدی قائدی رو ببینید و لذت ببرید از فوتبال»، «الاهلی فکر کرده گلای استقلال غذای سحریه، تا اذان صبح میخواد بخوره»، بردیم عالی هم بردیم ولی دفاع ضعیفه و باید یه کاری کرد. ۵ تا بازی سخت مونده هنوز.»